

بررسی ارتباط بین سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری در دانشگاه‌های تهران

ابوطالب سعادت‌ی شامیر^۱

دکتر مهرناز شهر آرای^۲

دکتر ولی الله فرزاد^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سر در گمی / اجتنابی) و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان دانشگاه‌های تهران پرداخته است. بدین منظور ۲۸۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تربیت معلم، تهران، علامه طباطبائی، علم و صنعت و شهید بهشتی به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از پرسشنامه‌های سبک هویت (ISI)، برزونسکی (۱۹۸۹) و پرسشنامه مسئولیت‌پذیری (SCI-R)، گاف (۱۹۸۷) استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق از دو روش آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون T، تحلیل واریانس و رگرسیون استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که بین سبک هویت اطلاعاتی و مسئولیت‌پذیری رابطه همبستگی معنی‌دار مثبت وجود دارد.

بین سبک هویت هنجاری و مسئولیت‌پذیری رابطه همبستگی معنی‌دار مثبت وجود

دارد.

بین سبک هویت سردرگمی/اجتنابی و مسئولیت‌پذیری رابطه همبستگی معنی‌دار

منفی وجود دارد.

بین سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی/اجتنابی) و جنسیت رابطه همبستگی

معنی‌دار وجود ندارد.

1 دانشجوی دوره دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران

2 دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران

3 استاد یار گروه روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران

مفهوم هویت برخاسته از مکتب روانکاوی است، ولی اولین بار، اریکسون^۱ (۱۹۶۵) به موضوع هویت توجه ویژه‌ای کرده و برای اولین فردی بود که تعریفی علمی از هویت ارائه داد که بعدها این تعریف توسط افراد زیادی از جمله واترمن و آرچر مورد تحلیل قرار گرفت (پلکنین^۲ و رونکا^۳، ۱۹۹۴، به نقل از موسوی پور، ۱۳۸۰).

اریکسون (۱۹۶۵) برای رشد روانی-جنسی قائل به وجود هشت مرحله است؛ پنجمین مرحله این دیدگاه که مقارن با نوجوانی است، مرحله هویت در برابر سردرگمی نقش است. اریکسون در این مرحله علاوه بر دخیل دانستن عوامل روانی-زیست شناختی در رشد هویت، عوامل فرهنگی و اجتماعی را نیز در رسیدن نوجوان به هویت منسجم مؤثر می‌داند (هال^۴، ۲۰۰۱).

تلاشهای اریکسون برای روشن کردن موضوع هویت و اهمیت آن در نوجوانی از دیدگاه نظری، موجب شد تا نام این نظریه پرداز با مفهوم هویت قرین شود. او در کتاب خود با عنوان «هویت، جوانان و بحران» به این موضوع اشاره می‌کند هر چند واژه «هویت» را نخستین بار من به کار گرفتم، اما این موضوع به صورت ضمنی از سالها پیش مورد توجه بوده است (شکر کن و همکاران، ۱۳۸۰).

اریکسون (۱۹۶۵) هویت را احساسی نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند؛ یعنی فرد به رغم داشتن خواسته‌ها، علایق، نیازها و انگیزه‌های مشترک با دیگران، با آنها متفاوت است و نیاز به استقلال، ثبات و حس یکپارچگی در اعمال، انگیزه‌ها و رفتارهایش دارد (پنلی^۵ و توماکو، ۲۰۰۲). اریکسون (۱۹۶۵) کارکرد

1 Erikson

2 Palkenin

3 Ronka

4 Hall

5 Penly&Tomako

هویت را، ایجاد هماهنگی میان تصور فرد از خودش به عنوان یک فرد خاص و دارای ثبات (دیدگاه خودش نسبت به باورها، رفتارها و ارزشهایش) و تصور دیگران نسبت به او (دیدگاه دیگران نسبت به باورها، رفتارها و ارزشهایش) می‌داند (کاپوتی^۱، ۲۰۰۱).

به جز اریکسون محققان برجسته دیگری چون بلاس^۲ (۱۹۶۲)، کلبرگ^۳ (۱۹۶۹)، لونیکر و گیگان^۴ (۱۹۸۵) دیدگاه‌های مبسوطی در باب هویت ارائه کرده‌اند؛ اما در سه دهه اخیر، اکثر تحقیقات صورت گرفته در زمینه هویت، در چهارچوب نظری مارسیا قرار می‌گیرد (برزونسکی، ۲۰۰۳).

از نظر مارسیا، رشد هویت بیانگر تغییراتی در کارکرد خود و مفهوم آن می‌باشد، تغییراتی که در درونی کردن ارزشها، اهداف، انتظارات و فرآیندهای خود تنظیمی فرد رخ می‌دهند. در این صورت مفهومی فردی از ثبات خود در فرد نمود پیدا می‌کند (مارسیا، ۱۹۸۸ به نقل از پولکنین و کوکو^۵، ۲۰۰۰). بر اساس الگوی مارسیا، رشد هویت در برگیرنده دو مفهوم اساسی است: اکتساب و تعهد. اکتساب به میزان تحقیق و بررسی فرد در مورد ارزشها، عقاید، برنامه‌ها، دیدگاهها و نقشهای مختلف اجتماعی بستگی دارد و تعهد به معنی پایبندی به مجموعه‌ای از قراردادهای، اهداف و ارزشهاست (بوسما و کوئین، ۲۰۰۱).

مارسیا^۶ (۱۹۶۸) هویت را ترکیبی از باورها، ارزشها، نقشها، رفتارها و مهارتهای مختلف شناختی، اخلاقی و عملی می‌داند که در دوران بزرگسالی به یک کل منسجم و ترکیب یافته تبدیل می‌گردد و موجب می‌شود فرد، هم احساس

1 Caputi

2 blasi

3 koldberg

4 Lwinger and Gigan

5 pulkkinen and kokko

6 Marcia

پیوستگی نسبت به گذشته خودش پیدا کند و هم جهت‌گیری خود را نسبت به آینده ترسیم نماید (برزونسکی، ۲۰۰۲).

مارسیا (۱۹۶۸) با در نظر گرفتن دو معیار تعهد^۱ (پایبندی به اعتقادات و باورهای مشخص) و اکتشاف^۲ (تلاش فرد برای انتخاب ارزشها، عقاید و شغل) و وجود یا عدم وجود آنها در جریان شکل‌گیری هویت فرد، چهار وضعیت هویت: یعنی هویت اکتساب شده^۳ دیررس، زودرس و سردرگم را معرفی کرد. در وضعیت هویت اکتساب شده، فرد بحران را پشت سر می‌گذارد و به تعهد می‌رسد؛ در وضعیت هویت دیررس، فرد در دوره بحران است، اما به تعهد نرسیده است؛ در وضعیت هویت زودرس، فرد بحرانی نداشته، اما دارای تعهد است و بالأخره در وضعیت هویت سردرگم، فرد نه بحران دارد، نه تعهد (کرلینجر^۴، ۲۰۰۱).

بر اساس مفهوم هویت اریکسون؛ یعنی «هویت در برابر سردرگمی نقش»، مارسیا (۱۹۶۶، ۱۹۸۰) با استفاده از یک مصاحبه نیمه سازمان یافته، الگوی چهارگانه‌ای را مشخص کرد که در سنین ۲۵ - ۱۸ سالگی؛ یعنی سالهای تحصیل در دانشگاه، موضوع هویت یابی جوانان است. مارسیا از دانشجویان خواست تا به سؤلهایی درباره نگرشها، ارزشها و اهدافشان در مورد شغل، مذهب و سیاست پاسخ دهند. در آغاز نمونه او محدود به دانشجویان مرد بود ولی در مطالعات بعدی آن را به دانشجویان زن نیز تعمیم داد. مارسیا براساس نتایج بدست آمده چهار حالت هویت را مطرح کرد که عبارتند از وضعیت هویت اکتساب شده (موفق)، وضعیت هویت دیررس؛ وضعیت هویت زودرس^۵؛ وضعیت هویت سردرگم^۶:

¹ commitment

² Exploring

³ acquired

⁴ kerlinger

⁵ moratorium identity

⁶ Diffusion identity

جدیدترین نظریه نظریه مربوط به هویت که مبنای نظری این تحقیق می‌باشد، نظریه سبک‌های هویت برزونسکی است. در این نظریه، الگویی شناختی-اجتماعی و روانی مطرح می‌شود که در آن به تفاوت‌های افراد در استفاده از فرآیندهای شناختی-اجتماعی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، مواجهه با مشکلات، درگیری با تکلیف و برخورداری از سلامت روانشناختی پرداخته شده است. بر اساس این الگو، برزونسکی (۱۹۸۹) سه سبک هویت: یعنی اطلاعاتی، هنجاری و سر در گمی/اجتنابی را مشخص کرد (برزونسکی، ۲۰۰۲).

سبک هویت اطلاعاتی

افرادی که دارای این سبک هستند، آگاهانه و فعالانه به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند و اطلاعات مناسب را مورد استفاده قرار می‌دهند این افراد هنگامی که در شرایط تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند، جنبه‌های مختلف مسأله را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهند (برزونسکی و سالیوان، ۲۰۰۲). این افراد سخت کوش، خود تنظیم، با عزت نفس بالا، درون نگر، دارای منبع کنترلی درونی، خود آگاه، دارای قدرت حل مسأله و پیچیدگی شناختی بالا هستند (برزونسکی و آدامز، ۲۰۰۲). چنین افرادی دارای ثبات هیجانی، ثبات گفتاری در موقعیتهای مختلف می‌باشند. این سبک به عنوان پخته ترین و بالغ ترین سبک هویت در بین سبک‌های دیگر مطرح است (برزونسکی، ۲۰۰۰). از دیدگاه دولینجر و دولینجر^۱ (۲۰۰۲) افراد دارای این سبک اهداف شغلی روشنی دارند؛ به قضاوت و استقلال خود بیشتر اعتماد دارند و در محیط تحصیلی از خود مختاری، عملکرد، خود نظارتی، پیشرفت تحصیلی و روابط بین فردی بیشتری نسبت به همسالانشان در دو سبک دیگر برخوردارند.

^۱ Dollinger

افراد با سبک هویت اطلاعاتی قبل از رسیدن به تعهد با ثبات و دراز مدت در زمینه‌های شناختی و رفتاری دوره‌هایی از اکتشاف^۱ و بحران^۲ هویت را پشت سر می‌گذارند، در نتیجه علاوه بر اکتساب عقاید، باورها و رفتارهای با ثبات، استقلال و فردیت بالایی را بدست می‌آورند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰).

بر اساس تحقیقات جرلد و مونرو^۳ (۲۰۰۱) افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، خوش قول، دارای روابط اجتماعی قوی، امیدوار نسبت به آینده و شاداب هستند و همچنین عملکردشان در تکالیف و مسؤلیت‌ها تحت تأثیر دیگران نیست، بلکه بر باورهای خودشان مبتنی است. این افراد شیوه‌های شناختی مناسبی برای مقابله با فشارهای روانی بکار می‌بندند و کمتر دچار افسردگی، روان پریشی و بیماریهای عاطفی - خلقی می‌شوند (هیدر^۴، ۲۰۰۱).

سبک هویت هنجاری

این افراد در تصمیم‌گیریها و عقایدشان با انتظارات، دستورات گروه‌های مرجع و افراد مهم، هم‌نوا می‌باشند. این افراد به طور فعال به جستجو و ارزیابی اطلاعات نمی‌پردازند، بلکه تلاش آنها دفاع از ساختار هویتی موجود که بدون تحقیق و اکتشاف کسب کرده‌اند می‌باشد. در این سبک هویت افراد کمتر کارهای چالش انگیز انجام می‌دهند و دست به کارهای خطر آفرین نمی‌زنند. این افراد بیشتر تمایل دارند از دیگران تقلید کنند در نتیجه در مقابل ابهام و مشکلات کم تحمل هستند (برزونسکی، ۲۰۰۲).

افراد با سبک های هویت هنجاری بدون گذراندن دوره های اکتشاف، تحقیق و بحران هویت، از طریق تقلید از مراجع قدرت و افراد مهم به تعهد می‌رسند و از تعهداتشان به صورت سختگیرانه و متعصبانه، دفاع می‌کنند. عقاید این افراد

¹ exploring

² crisis

³ Gerald and Munro

⁴ Heather

انعطاف‌پذیر نیست؛ استقلال و فردیت کمی دارند و کمتر بر روی ویژگی‌های شناختی و اجتماعی خود تأکید دارند (دولینجرو دولینجر، ۲۰۰۲).

افرادی که از سبک هویت هنجاری استفاده می‌کنند، هویت خود را بیشتر بر روی اسنادهای جمعی (به عنوان مثال کشورم، مذهب، غرور ملی‌ام، خانواده‌ام) تعریف می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۹۷). این افراد دارای اهداف آموزشی و شغلی مشخصی هستند که از بیرون کنترل می‌شوند و انعطاف‌پذیر نیستند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰).

سبک هویت سردرگمی/اجتنابی:

این افراد غالباً فاقد قدرت تصمیم‌گیری هستند و تصمیم‌گیریهایشان را با مسامحه، تعلل و تاخیرهای طولانی انجام می‌دهند. منبع کنترل این افراد بیرونی است و دارای رفتارهای هیجانی و بدون ثبات هستند (آدامز و همکاران، ۲۰۰۲). این افراد در حالت بلا تکلیفی بسر می‌برند و از انجام کارها و امور مختلف زندگی اجتناب می‌کنند، دارای عزت نفس پایین، خودپنداره منفی و فاقد خود تنظیمی می‌باشند (برزونسکی، ۲۰۰۳). بر اساس تحقیقات دولینجرو دولینجر (۲۰۰۲) عملکرد این افراد بر روی تکلیف بسیار ضعیف است، معمولاً تکالیف را بدون اینکه کامل کنند رها می‌کنند، در زندگی و تحصیل کمتر به موفقیت می‌رسند؛ از استقلال و فردیت بسیار کمی برخوردارند این افراد نه مرحله اکتشاف را پشت‌سر گذاشته‌اند و نه به تعهد رسیده‌اند.

این افراد به دلیل اینکه شیوه‌های مناسبی برای مقابله با خطر و اضطراب به کار نمی‌بندند و دائماً در حالت اضطراب به سر می‌برند، بیشتر از سایر سبک‌های هویت دچار افسردگی، روان پریشی و بیماری‌های عاطفی خلقی می‌شوند (برزونسکی، ۲۰۰۱). این افراد در خانواده‌های آشفته‌ای تربیت شده‌اند که هیچ قائده و قانونی نداشته‌اند (برزونسکی، ۱۹۹۹).

در این پژوهش نظریه برزونسکی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

مسئولیت‌پذیری

دورت^۱ و رویتر^۲ (۲۰۰۱) مسئولیت‌پذیری را پاسخگو بودن تعریف می‌کنند. فرد مسئولیت‌پذیر کسی است که در قبال رفتار خودش پاسخگو باشد؛ یعنی مسئولیت سود و زیان وظیفه یا تکلیفی را که برعهده گرفته است، بپذیرد. فقط در این صورت است که فرد سزاوار تقدیر و یا شایسته سرزنش خواهد بود. چنین فردی در صورت انجام وظیفه به نحو احسن، احساس غرور و شادمانی می‌کند، در غیر این صورت احساس شرم و گناه. فرد مسئولیت‌پذیر کسی است که نسبت به نیازهای خود و دیگران حساسیت داشته باشد و برای رفع آنها تلاش کند (گلاور^۳، ۱۹۷۰؛ الیس و همکاران، ۱۹۷۵).

بر اساس تعریف ارسطو، فرد مسئولیت‌پذیر کسی است که بداند چه موقع باید به نیازهای دیگران پاسخ دهد و تشخیص دهد که چه کاری از دست او برمی‌آید و تلاش کند آن کار را بدرستی انجام دهد. مسئولیت‌پذیری یعنی احساس مسئولیتی که ما نسبت به خود، دیگران، خانواده و اجتماع داریم. مسئولیت‌پذیری یعنی احترام به داشته‌های دیگران، ارزش قائل بودن برای خیابانها، مکانهای عمومی و همچنین رعایت حقوق همسایگان، بطوری که آنها نیز بدون مزاحمت، اضطراب و اذیت زندگی کنند (گادن^۴، ۲۰۰۱).

مسئولیت‌پذیری، از خانواده؛ یعنی جایی که والدین پاسخگوی اعمال و رفتار خود و کودکانشان می‌باشند و مسئولیت زندگی آنها را بر اساس یکسری معیارها و استانداردها پذیرفته‌اند، آغاز می‌شود و بعد به اطرافیان و همسایگان می‌رسد. در این حالت فرد علاوه بر این که مسئولیت دارد امنیت و آرامش

¹ Durt

² Ruyter

³ Gelaver

⁴ Gaden

اطرافیان و همسایگان را تهدید نکند، مسئولیت دارد نگذارد آنها نیز آرامش، امنیت و حقوق قانونی او را سلب کنند. در نهایت جریان مسئولیت‌پذیری به اجتماع ختم می‌شود، یعنی افراد در قبال آرامش، امنیت و سلامت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مسئولیت دارند و باید علاوه بر پاک و سالم نگه داشتن جامعه، بایکدیگر بااحترام رفتار کنند و مسئولیت مقابله با رفتارهای نامناسب، ضد اجتماعی و غیرقابل قبول را بپذیرند (بلانکت^۱، ۲۰۰۳، کولب، ۲۰۰۰).

مسئولیت‌پذیر به کسی می‌گویند که اراده‌ای قوی برای کنترل خواسته‌های خود و پاسخ به نیازهای دیگران داشته باشد. توجه به نیازهای دیگران و حساس بودن در قبال نیازهای آنان فقط یک جنبه از مسئولیت‌پذیری است؛ جنبه دیگر آن توجه به نیازهای خود و حساسیت در قبال سلامتی جسمانی و روانی خود فرد می‌باشد.

«مسئولیت‌پذیری نوعی احساس التزام به عمل با واکنش فردی در موقعیتهای گوناگون بدلیل تقید نسبت به سایرین است. این احساس تعهد یک ویژگی شخصیتی است و معمولاً در اوج خود به صورت رفتاری ثابت در مجموعه رفتارهای اجتماعی شخص خود را نمایان می‌سازد. در حقیقت رفتار مسؤولانه نتیجه نگرش جامع شکل یافته در خرد اخلاقی و اجتماعی و درک قواعد گروهی است که در ذهن فرد شکل گرفته و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد. بنابراین مسئولیت‌پذیری تجلی عینی نگرش جامع و همه جانبه شکل گرفته در فرد است» (سبحانی نژاد، ۱۳۷۹).

«طی یک نظر خواهی به عمل آمده از تعدادی معلم، آنان مترادفهای گوناگونی برای مسئولیت‌پذیری ذکر نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به بالغ، قابل اعتماد، صادق، قابل اتکاء، خود کنترل، وظیفه‌مدار، شریف، اخلاقی، شایسته،

^۱ Blunkett

مستقل، غمخوار، همکار، انگیخته، متناسب، قاطع، هوشیار و دارای پشتکار اشاره نمود» (گروز نیکل و استنفز،^۱ ۱۹۹۲). همچنین گروهی از دانش‌آموزان مدرسه‌ای در «آدیسون ایلینویز» در پاسخ به سوالی، معانی مختلف مسئولیت‌پذیری را شرح داده اند، که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- انجام دادن وظایف ضروری و مهم

- هدفگذاری، انتخاب کاری برای انجام دادن و عمل به آن به صورت درست و قابل اطمینان

- توانایی پاسخگویی در خصوص اعمال انجام داده شده

- انجام آنچه صحیح است و پاسخ نه گفتن به سایرین و احساساتشان
- اطاعت از قوانین

- زندگی مبتنی بر ارزشهای اخلاقی و همراه با تعادل

- رشد قدرت اراده و تصمیم‌گیری شخصی و پیروی از الگوهای مناسب

- مدنظر قراردادن عواقب و پیامدهای رفتارها و اعمال

- داشتن انتظارات منطقی و متناسب از سایرین

- هر روز بهتر از دیروز بود

- مراقبت از خود و دیگران

- قابل اعتماد بودن

- اولویت‌گذاری و اقدام مناسب برای آن (گروز نیکل و استنفز، ۱۹۹۲). «در این

خصوص فهرستی از هدفهای مسئولیت‌پذیری که توسط دانش‌آموزان در مقاطع

مختلف تحصیلی ارائه شده نیز شامل استقلال، راستی، سخت‌کوشی، اخلاقی

بودن، صداقت، رهبری، سازمان‌یافتگی، قابلیت اعتماد، قوی، متفکر، بالغ، تربیت

شده، اقتداگر، منطقی، غمخوار، قابل احترام، واقع‌گرا، قابل اتکاء، وظیفه‌شناس،

¹ Grossnickle & Stephens

² Adison Illinois

متعهد به انجام امور». نیروی کار ایالت کالیفرنیا^۱ مسؤلیت‌پذیری را همان قدردانی از ارزش و اهمیت شخصی و داشتن شخصیتی پاسخگو برای خود و عمل مسئولانه در ارتباط با سایرین تعریف می‌کند (گروه ایالت کالیفرنیا، ۱۹۸۹). کمیته ادیسون ایلینویز^۲ نیز، انسان مسؤلیت‌پذیر را کسی می‌داند که دارای احساس تکلیف در مقابل وظایف است و پیامدهای اعمال و تصمیماتش را می‌پذیرد. چنین افرادی دارای عزت نفس و احساس استقلال هستند و براساس حقوق و نظرات سایرین، انتخابها و دیدگاههای خود را ارزیابی می‌نمایند. کمیته ایلینویز مجموعه نظرات کارکنان مدارس مختلف را در خصوص مسؤلیت‌پذیری گردآوری کرده است که عمده ترین آنها شامل موارد زیر است:

- انجام وظایف با حداکثر توان و با ابتکار شخصی مطابق با آنچه که خواسته شده است.

- عهده‌داری زندگی خود، تشخیص وظایف خانوادگی، اجتماعی، کشوری و ملی

- پاسخگویی به رفتارها و وظایف به گونه‌ای رشد یافته

- مقابله با حوادث زندگی، به شکل اخلاقی و صادقانه

- علاقه به پذیرش پیامدهای اعمال و مقصر قلمداد نکردن سایرین

- ارزیابی تأثیر اعمال شخصی روی سایرین، به گونه‌ای که رفتارها آسیبی به آنها وارد نکند.

- اجرای وظایف با عنایت به قانون، صاحبان اقتدار و احترام به حقوق سایرین

- انجام به موقع امور و تکالیف

- شناخت و پیگیری قوانین، تمییز درست از غلط و تصمیم‌گیری بر مبنای

ارزشهای حقیقی

- تجهیز خود برای اقدام مؤثر در موقعیتهای مختلف

¹ Californias task force

² Community of Adison Illinois

- انجام وظایف واگذار شده و عدم نیاز به تذکر مکرر وظایف
- سخت کارکردن، همکاری و انجام وظایف بطور کامل
- آمادگی برای انجام امور در مواقع ضروری، صرفنظر از خوشامدی شخصی
- پذیرش خطر، دست به کار شدن و نمایش قضاوت رشد یافته
- قابل اعتماد بودن، پاسخگو بودن، توانایی انجام وظایف براساس تفکر و منطق
- وظایف را پاره‌ای از وجود خویش تلقی نمودن، احساس مالکیت و تعلق نسبت به مسائل و موقعیتهای.

توانایی برقراری ارتباط و توسعه آن با سایرین (شورای آموزش و پرورش ایالت ایلینویز، ۱۹۷۶، به نقل از سبحانی نژاد، ۱۳۸۲)

مسئولیت پذیری یعنی اینکه فرد پاسخگوی اعمال و رفتارش در برابر خود و دیگران باشد. این توانایی نیاز به عقلانیت و قدرت شناختی بالایی دارد؛ چرا که فرد باید قادر باشد، نیازهای دیگران را بدرستی درک و تعبیر کند و پاسخهای مناسبی ارائه دهد. این توانایی، انگیزه‌های قوی، برای عمل در فرد به وجود می‌آورد؛ اما عملکرد فرد به عنوان یک شخص مسئولیت‌پذیر ممکن است با منافع و خواسته‌های او در تضاد باشد. (هاست، ۲۰۰۰).

با توجه به پیشینه فوق فرضیه‌های زیر برای این پژوهش تدوین گردیدند:
فرضیه اول: بین سبکهای هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی/اجتنابی) و مسئولیت‌پذیری رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: بین سبکهای هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی/اجتنابی) و مسئولیت‌پذیری در زنان و مردان رابطه معنادار وجود ندارد.

فرضیه سوم: پیش بینی مسئولیت‌پذیری از روی سبکهای هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی/اجتنابی).

از آنجایی که بررسی رابطه بین متغیرها و مشخص نمودن میزان رابطه آنها کار اصلی این پژوهش است، پژوهش حاضر از نوع تحقیق همبستگی است ابتدا پرسشنامه‌ها به ۲۸۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تربیت معلم، تهران، علامه طباطبائی، علم و صنعت و شهید بهشتی که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شده بودند، داده شد و بعد از حذف پرسشنامه‌های ناقص، تعداد ۳۲۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در این پژوهش، ابتدا دانشجویان بر اساس تقسیم‌بندی کلی سازمان سنجش در چهار گروه آموزش اصلی (علوم انسانی، هنر، علوم پایه و فنی مهندسی) قرار گرفتند؛ سپس از بین دانشگاه‌های شهر تهران، دانشگاه‌های تربیت معلم، تهران، علامه طباطبائی، علم و صنعت و شهید بهشتی انتخاب شدند. در مرحله بعد از هر دانشگاه یک دانشکده و از هر دانشکده دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌های سبک هویت، سلامت روان و مسؤولیت‌پذیری، به صورت همزمان به دانشجویان ارائه شد. قبل از ارائه پرسشنامه‌ها به آزمودنیها پژوهشگر از آزمودنیها درخواست کرد که جهت دقیق و قابل استناد بودن نتایج تحقیق و به هدر نرفتن زحمات آزمودنیها و محقق، به پرسشنامه‌ها، با دقت و حوصله پاسخ دهند و در صورت عدم تمایل به دادن پاسخهای واقعی و دقیق، می‌توانند در تحقیق مشارکت نکنند.

جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی (روزانه) شهر تهران می‌باشند که در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ به تحصیل مشغول بوده‌اند.

حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول مورگان بدست آمده است. بر اساس جدول مورگان از جامعه‌ای به حجم تقریبی هفتاد و پنج هزار نفر سیصد و هفتاد و چهار نمونه مورد نیاز است (مورگان، ۱۹۷۰)

جهت جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از پرسشنامه‌های زیر استفاده شده است:

الف) پرسشنامه سبک هویت^۱ (ISI)

ج) پرسشنامه مسئولیت‌پذیری (SCI-R)

الف. پرسشنامه سبک هویت^۲ (ISI)

برزونسکی (۱۹۸۹) برای بررسی سبک‌های هویتی اقدام به تهیه یک پرسشنامه نموده. در این پرسشنامه، بر خلاف پرسشنامه اندازه‌گیری عینی توسعه یافته وضعیت هویت من (آدامز و همکاران، ۱۹۸۹) که در آن مؤلفه‌های اکتشاف با تعهد درهم آمیخته بود. مؤلفه‌های اکتشاف و تعهد به صورت مجزا ارائه شده است. او برای این پرسشنامه، ۳۰ سؤال در نظر گرفت. برای مثال در سبک هویت اطلاعاتی (من زمان زیادی را صرف مطالعه و گفتگو با دیگران در مورد موضوعات مذهبی می‌کنم) در سبک هویت هنجاری (من همیشه اهدافی در زندگی داشته‌ام، من طوری بار آمده‌ام که بدانم برای چه تلاش کنم). برای سبک هویت سردرگمی/اجتنابی (من خیلی نگران مسائل شخصی‌ام نیستم، آنها معمولاً خودشان حل می‌شوند) و برای تعهد (در باره موضوعات مذهبی، من بطور اساسی می‌دانم که به چه معتقد هستم و به چه معتقد نیستم). برای هر سبک هویت شش سؤال و برای تعهد ده سؤال در نظر گرفت. همچنین دو سؤال اضافی^۳ برای تکمیل کردن پرسشنامه اضافه شد که در نمرات کل به حساب نمی‌آید. که به صورت جمله‌های خبری ارائه شده است و از آزمودنیها می‌خواهد تا نظر خود را طبق مقیاس ۷ نقطه‌ای لیکرت (۱=نامناسب و ۷=مناسب) مشخص کنند. پرسشنامه

^۱ Identity Style Inventory

^۲ Identity Style Inventory with a Sixth-Grade reading level (ISI-6G)

^۳ counterbalancing

روی چهار عامل سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، سبک هویت سردرگمی/اجتنابی و تعهد در مورد موضوعات هویت شخصی بار دارد. وایت و دیگران (۱۹۸۹) برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش محاسبه همسانی درونی و به منظور بررسی روایی پرسشنامه سبک هویت از دو روش الف) بررسی همزمان ب) بررسی روایی پیش‌بین استفاده کردند. نتایج نشان داد که این پرسشنامه از پایایی و روایی مناسبی برخوردار است. پرسشنامه مسؤلیت‌پذیری (CpI-R).

در این تحقیق برای سنجش مسؤلیت‌پذیری، از مقیاس سنجش مسؤلیت‌پذیری اخذ شده از پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا (CPI)، استفاده گردید. کل مقیاس ۴۶۲ ماده دارد. ماده‌های مربوط به مسؤلیت‌پذیری ۴۲ ماده می‌باشند که از آن استخراج شده و به عنوان مقیاس سنجش مسؤلیت‌پذیری به کار گرفته شد.

پایایی و روایی پرسشنامه مسؤلیت‌پذیری (CpI-R)

تا کنون تحقیقات زیادی پایایی و اعتبار پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا را مورد سنجش قرار داده‌اند که همگی حاکی از پایایی و اعتبار قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد. گاف (۱۹۸۷) پس از بررسی تحقیقات متعدد در زمینه پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا، به این نتیجه رسید که دامنه تغییر ضرایب باز آزمایی و همسانی درونی برای هر یک از مقیاس‌های پرسشنامه مذکور، از میانه ۵۲٪ تا ۸۱٪ و میانه ضرایب اعتبار کلی آن نیز ۷۰٪ می‌باشد.

مگارگی (2002) طی مطالعه‌ای که بر روی یک گروه ۴۰۰ نفری از دانشجویان سال آخر دانشگاه انجام داد اعتبار پرسشنامه مسؤلیت‌پذیری را ۷۲٪ گزارش کرد. آناستازی (۱۹۸۲) پایایی پرسشنامه مسؤلیت‌پذیری را ۶۲٪ گزارش کرده است.

جدول شماره (۱) توزیع فراوانی افراد نمونه در دانشگاه‌های مختلف به تفکیک جنس

جمع کل	جنس		دانشگاه
	مرد	زن	
۵۱	۲۶	۲۵	۱. دانشگاه علامه
۶۱	۳۲	۲۹	۲. دانشگاه تربیت معلم تهران
۶۳	۲۹	۳۴	۳. دانشگاه تهران
۷۹	۴۳	۳۶	۴. دانشگاه شهید بهشتی
۶۶	۲۶	۴۰	۵. دانشگاه علم و صنعت
۳۲۰	۱۶۴	۱۵۶	جمع کل

جدول شماره (۲) میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تحقیق به تفکیک جنس

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
اطلاعاتی	مرد	۵/۴۵	۲/۲۹	۱۶۴
	زن	۵/۴۷	۲/۰۶	۱۵۶
هنجاری	مرد	۲/۳۵	۰/۹۵	۱۶۴
	زن	۲/۵۲	۱/۰۶	۱۵۶
سردرگمی / اجتنابی	مرد	۳/۰۸	۱/۵۷	۱۶۴
	زن	۳/۲۳	۱/۳۹	۱۵۶
تعهد	مرد	۵/۳۴	۲/۳۸	۱۶۴
	زن	۵/۰۱	۲/۰۹	۱۵۶
مسؤلیت پذیری	مرد	۲۴/۹۳	۱۱/۸۶	۱۶۴
	زن	۲۴/۳۷	۱۰/۳۹	۱۵۶

فرضیه اول: بین متغیرهای سبک‌های هویت و مسؤلیت‌پذیری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره (۳) همبستگی بین متغیرهای سبک های هویت و مسؤلیت پذیری در سطح $P < [0/01]$

تعداد	سطح معناداری	مسؤلیت پذیری	
۲۲۰	۰/۰۰۰	۰/۸۲۶	اطلاعاتی
۲۲۰	۰/۰۰۰	۰/۸۳۰	هنجاری
۲۲۰	۰/۰۰۰	-۰/۶۶۲	سردرگمی / اجتنابی
۲۲۰	۰/۰۰۰	۰/۵۱۵	تعهد

جدول شماره (۳)، همبستگی بین متغیرهای سبک‌های هویت و مسؤلیت‌پذیری را نشان می‌دهد. همبستگی محاسبه شده بین متغیر مسؤلیت‌پذیری و سبک هویت اطلاعاتی (۰/۸۲۶) می‌باشد که در سطح $(P < 0/01)$ معنادار می‌باشد. این رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد یعنی افرادی که در مسؤلیت‌پذیری نمره بالایی دارند در متغیر سبک هویت اطلاعاتی نیز نمره بالایی می‌گیرند و برعکس. همبستگی بین متغیر سبک هویت هنجاری و مسؤلیت‌پذیری (۰/۸۳۰) می‌باشد که در سطح $(P < 0/05)$ معنادار می‌باشد همبستگی بین متغیر مسؤلیت‌پذیری و سبک هویت سردرگمی / اجتنابی (-۰/۶۶۲) می‌باشد که در سطح $(P < 0/01)$ معنادار می‌باشد، اما این رابطه منفی و معکوس می‌باشد یعنی افرادی که در متغیر مسؤلیت‌پذیری نمره بالایی کسب می‌کنند در متغیر سبک هویت سردرگمی / اجتنابی نمره پائین کسب می‌کنند و بر عکس. همبستگی بین متغیر مسؤلیت‌پذیری و تعهد (۰/۵۱۵) می‌باشد که در سطح $(P < 0/01)$ معنادار می‌باشد؛ یعنی افرادی که در متغیر مسؤلیت‌پذیری نمره بالا کسب می‌کنند، در متغیر تعهد نیز نمره بالا کسب می‌کنند و بر عکس.

بررسی ارتباط بین سبکهای هویت و مسئولیت پذیری در ...

فرضیه دوم: بین متغیرهای سبکهای هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی/اجتنابی) و مسئولیت پذیری در زنان و مردان رابطه معنادار رابطه معنادار وجود ندارد.

جدول شماره (۴) آزمون جهت مقایسه میانگین متغیرهای تحریک به تفکیک جنس

متغیر	T	سطح معناداری
اطلاعاتی	۰/۰۹۵	۰/۹۲۵
هنجاری	۱/۵۸	۰/۱۱۵
سردرگمی/اجتنابی	۰/۸۷	۰/۳۸
تعهد	۱/۳	۰/۱۹۲
مسئولیت پذیری	۰/۴۵	۰/۶۵

به منظور مقایسه میانگینهای محاسبه شده برای متغیرهای مسئولیت پذیری و سبکهای هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی/اجتنابی و تعهد) به تفکیک جنس (زن و مرد) از آزمون T برای نمونه‌های مستقل استفاده شده است. آهای محاسبه شده با درجه آزادی $df=318$ در سطوح $(P < 0.05)$ و $(P < 0.01)$ به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. یعنی بین میانگین نمره مردان و زنان در متغیرهای مورد نظر به لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم: پیش بینی مسئولیت‌پذیری از روی سبکهای هویت

جدول شماره (۵) تحلیل رگرسیون برای پیش بینی مسئولیت‌پذیری [y] با توجه به سبکهای هویت [X]

منبع تغییرات	مجموعه مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	R ²	سطح معناداری
رگرسیون	۲۷۳۹۸۵/۵	۴	۶۸۴۹/۶۹۲	۱۷۴/۹۴۸	۰/۶۹	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۲۳۳۲/۰۳۵	۳/۵	۳۹/۱۵۲			
کل	۳۹۷۳۱/۵۵	۳/۹				

جدول شماره (۵) رگرسیون محاسبه شده برای متغیر مسؤولیت‌پذیری رابراساس سبک‌های هویتی (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی/اجتنابی) وتعهد رانشان می‌دهد. رگرسیون محاسبه شده (R^2 ، $0/69$) در سطح ($P < 0/05$) معنادار می‌باشد؛ یعنی سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی / اجتنابی) وتعهد باهم ($0/69$) درصد از واریانس متغیر مسؤولیت‌پذیری راتیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نتایج مربوط به رابطه بین سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی/اجتنابی). با مسؤولیت‌پذیری در جدول (۳) گزارش شده است. این جدول بیانگر وجود رابطه همبستگی مثبت و معنی‌دار بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و مسؤولیت‌پذیری است. این جدول همچنین نشان می‌دهد که بین سبک‌های هنجاری و مسؤولیت‌پذیری رابطه معنادار وجود دارد و بین سبک هویت سردرگمی/اجتنابی با مسؤولیت‌پذیری رابطه همبستگی معنی‌دار منفی وجود دارد. این بدین معنا است که هر قدر نمره فرد، در سبک هویت سردرگمی/اجتنابی بیشتر باشد در مسؤولیت‌پذیری نمره کمتری می‌گیرد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که افرادی که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری دارند از مسؤولیت‌پذیری بیشتری برخوردارند و افرادی که دارای سبک هویت سردرگمی/اجتنابی هستند از مسؤولیت‌پذیری کمتری برخوردار می‌باشند این یافته‌ها با تحقیقات (کورت ولوین، ۲۰۰۲؛ لوین و اسکوارتز، ۲۰۰۱؛ ولس، ۲۰۰۲) همسو می‌باشد.

افراد مسؤولیت‌پذیر فعالانه به انجام وظایف شغلی تحصیلی خانوادگی و عقیدتی می‌پردازند. این افراد وظیفه‌شناس، خود تنظیم و شرافت‌مدار هستند. افراد مسؤولیت‌پذیر، با کفایت در ارزیابی زندگی تمیز و آراسته و مرتب، اداره کننده آگاهانه مسائل، پایبند به اصول اخلاقی و تعهدات خویش و خویشندار هستند و

دارای آرزوهایی باسطح بالا می‌باشند (هایس، ۲۰۰۲). این صفاتی که توسط هایس (۲۰۰۲) در مورد افراد مسئولیت‌پذیر به کار برده جز خصوصیات افرادی است که دارای سبک هویت اطلاعاتی هستند و قسمتی از خصوصیات مانند پایبندی به اصول اخلاقی و تعهدات خویش تمیز و مرتب بودن از ویژگیهای هویت هنجاری است.

افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی بدلیل برخورداری از سلامت روان عاطفی جسمانی و اجتماعی دارای مسئولیت‌پذیری بالایی هستند. از طرفی بدلیل داشتن اطلاعات مناسبی که در مورد وظایف و مسئولیتها دارند و از طرف دیگر بدلیل اینکه این افراد در مورد وظایفشان بر اساس اعتقادشان عمل می‌کنند و در مورد اعتقاداتشان به تعهد رسیده‌اند؛ در صورت پذیرش مسئولیتها درای خلاقیت و انعطاف‌پذیری هستند و آنها را به شکل مناسبی انجام می‌دهند. یکی از دلایل دیگری که این افراد مسئولیت‌پذیری بالایی دارند درونی شدن اخلاق و اعتقادات در این افراد است این افراد بدلیل اینکه با اکتشاف و تلاش شخصی و بدور از سوگیری مسائل را می‌پذیرند و یا رد می‌کنند از قدرت و سرعت در تصمیم‌گیری برخوردارند و اغلب دچار تعارض نمی‌شوند. لذا مسوولیت‌های را که با اعتقاداتشان همخوان نیستند نمی‌پذیرند. از طرف دیگر بدلیل مهم بودن ارزیابی دیگران از توانایی او، با ضعف در انجام یک مسئولیت توانایی‌هایش را زیر سؤال نمی‌برند. از آنجایی که این افراد مسوولیت‌هایشان را بدرستی انجام می‌دهند، هم خودشان احساس رضایت درونی کنند و هم دیگران از آنها رضایت خواهند داشت که این رضایت را به شکل رفتارهای عاطفی مفید و مؤثر ابراز می‌کنند که در سلامت روان فرد بسیار مؤثر است.

افراد دارای سبک هویت هنجاری نیز بدلیل اینکه به تعهد رسیده‌اند، مسئولیت‌پذیراند. این افراد نیز در انجام وظایفشان دچار تعارض نمی‌شوند. هر چند این افراد وظایفشان را درست انجام می‌دهند اما انعطاف‌پذیر و خلاق و منشأ

تحول در مسؤولیتها نیستند و بر اساس یک طرح و برنامه از پیش تعیین شده وظایفشان را انجام می‌دهند. اما افراد دارای سبک هویت سردرگمی اجتنابی، از پذیرش مسؤولیت بدلیل ناتوانی در انجام آن اجتناب می‌کنند. این افراد به شدت سردرگم هستند و از قدرت تصمیم‌گیری بسیار پائینی برخوردارند. از خود رضایت درونی ندارند و در پذیرش و انجام مسؤولیتها بسیار ضعیف عمل می‌کنند و مسؤولیتها را بیشتر به خاطر اهداف بیرونی می‌پذیرند نه به خاطر خود مسؤولیت.

نتایج مربوط به پیش‌بینی مسؤولیت‌پذیری از روی سبکهای هویت در جدول شماره (۵) نشان داده شده است. بر اساس یافته‌های این جدول (۰/۶۹) درصد از واریانس متغیر مسؤولیت‌پذیری توسط سبکهای هویت قابل پیش‌بینی است، بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت، افرادی که دارای سبکهای هویت اطلاعاتی و هنجاری هستند با احتمال بالایی مسؤولیت‌پذیر هستند و افراد دارای هویت سردرگمی/اجتنابی از مسؤولیت‌پذیری پائینی برخوردارند که این نتیجه با یافته‌های کورت ولوین، ۲۰۰۲؛ لوین واسکوارتز، ۲۰۰۱؛ ولس ۲۰۰۲ و بلانکت، ۲۰۰۳) همسو می‌باشند.

کسانی که از سلامت روان بالایی برخوردارند؛ یعنی کمتر دچار اضطراب و افسردگی می‌شوند و دارای سلامت جسمانی و عملکرد اجتماعی مناسبی هستند؛ معمولاً دارای مسؤولیت‌پذیری بالا، خود پنداره مثبت، منبع کنترل درونی و خود تنظیم می‌باشند (بلانکت، ۲۰۰۳). همچنان که برزونسکی (۲۰۰۳) نشان داده است افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، وظیفه‌شناس خود تنظیم و پیشرفت‌مدار هستند. مسؤولیت‌پذیری، عامل مهمی برای پیش‌بینی رضایتمندی از زندگی است و رضایت از زندگی بر جنبه‌های شناختی و ارزشی، سلامت روان تأکید دارد بنابراین این می‌تواند پیش‌بینی کرد افرادی که دارای این ویژگیها باشند دارای سلامت روان بالایی هستند و مسؤولیت‌پذیر می‌باشند.

مسئولیت‌پذیر اهمیت فراوانی دارد زیرا می‌تواند عامل پیش‌بینی‌کننده خوشحالی و شادی باشد. افراد با نمره بالا در مسؤلیت‌پذیری، تمایل بیشتری برای عملکرد مؤثر در جامعه دارند و برای رسیدن به اهداف خود با علاقه آنها را دنبال می‌کنند؛ روابط گرم و عاطفی با دیگران برقرار می‌کنند؛ واقعیتها را می‌پذیرند و ادراک درستی از آن دارند. به نوبه خود کارایی در رسیدن به اهداف، منجر به سلامت روان می‌شود (هایس، ۲۰۰۲).

اشخاصی که با صفت مسؤلیت‌پذیری توصیف می‌شوند، با کفایت در ارزیابی زندگی، تمیز، آراسته و مرتب، اداره‌کننده آگاهانه مسائل، پایبند به اصول اخلاقی و تعهدات خویش، خویشتندار و دارای آرزوهایی با سطوح بالا هستند. این خصوصیات برای برخورداری افراد از سلامت روان کافی است (میشل، ۲۰۰۲).

با توجه به تحقیقات انجام گرفته در این زمینه (کورت و لوین، ۲۰۰۲؛ لوین و اسکوارتز، ۲۰۰۱؛ ولس، ۲۰۰۲ و بلانکت، ۲۰۰۲) می‌توان پیش‌بینی کرد که افراد مسؤلیت‌پذیر با خصوصیتی که در تحقیقات (بلانکت، ۲۰۰۲، برزونسکی، ۲۰۰۲؛ هایس، ۲۰۰۲؛ میشل، ۲۰۰۲) بدان اشاره شد، می‌بایستی دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری باشند اما افرادی که به مواد مخدر روی می‌آورند؛ اضطراب و افسردگی بالایی را تجربه می‌کنند؛ در خانواده‌های آشفته بزرگ شده‌اند، اهداف روشنی در زندگی ندارند و از پذیرش وظایف و مسؤلیتهای فردی خانوادگی و اجتماعی اجتناب می‌کنند، می‌توان پیش‌بینی کرد که دارای مسؤلیت‌پذیری پایین هستند و دارای سبک هویت سردرگم می‌باشند.

کتابنامه

- آقاجانی، حسین. (۱۳۸۳) هنجار یابی سبک های هویت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم
- بازرگان، عباس، سرمد، زهره، حجازی، الهه (۱۳۸۲). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران. انتشارات آگاه
- جوادی، محمد جعفر و کدیور، پروین (۱۳۸۱). روان شناسی شخصیت. تهران. انتشارات آییژ
- دلور، علی (۱۳۸۲). روش های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران. انتشارات رشد
- سعادت، ابوطالب (۱۳۸۳) بررسی ارتباط مسوولیت پذیری با سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه های تهران. مجموعه مقالات دومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. دانشگاه تربیت مدرس
- شهر آرای، مهرناز (۱۳۸۴). روان شناسی رشد دیدگاه تحولی. تهران: نشر علم
- فراهانی محمد نفی (۱۳۷۸). روان شناسی شخصیت نظریه تحقیق کاربرد. تهران. انتشارات دانشگاه تربیت معلم
- گیونز، چارز (۱۹۹۷) هنر موفق زیستن. ترجمه آل یاسین، محمد رضا (۱۳۸۰) تهران: انتشارات هامون
- لورا ای، برک. (۱۹۹۴). روانشناسی رشد. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۳). تهران: انتشارات ارسباران
- محمد خانی، شهرام (۱۳۸۳) تکنیک های مقابله با اضطراب و افسردگی. تهران: انتشارات طلوع دانش
- هومن، حیدر علی (۱۳۷۶). هنجار یابی پرسشنامه سلامت عمومی. تهران. موسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه تربیت معلم
- منشی طوسی، محمد تقی (۱۳۷۸) سلامت روان. مشهد: انتشارات آستان قدس

هیلگارد و همکاران (۱۹۰۷) زمینه روان‌شناسی. ترجمه حسن رفیعی و

همکاران (۱۳۸۳). تهران: انتشارات ارجمند

Berzonskey, m.d & adams, g.r (2000) identity statue identity style processing and transition to university. journal of adolescent research, 15, 81, 98

identity processing .Berzonskey, m.d & nurumi, j tammi, (2000)

style, cognitive and behavioural strategies and wellbeing. Journal of development and psychopathology, 4, 679, 696

Berzonskey, m.d & sullivan, c (2002) social cognitive aspects of identity style. journal of adolescent research, 12, 31, 45

Ronkar, i (2001) finding the best

Responsibility process. Annual of

Responsibility (of the A.P.A- Eric). No: 3D

360728

Penly, t, k & Tomako, d.s (2002) The brighter side of human nature: Altruism and empathy in everyday life. New York: Basic Books.

Caputi, t (2003) The challenge to care in schools: An alternative approach to education and responsible taking. New York: Teachers College Press

blasi Interpretive experiments: Probing the care-justice debate in moral development. Human Development, 34, 61-80.

koldbergs (1997) morality gendered in early parent-child relationships? A commentary on the Lollis, Ross, and Leroux study. Merrill-Palmer Quarterly, 43, 148-159.

Lwinger, h.m & Gigan, C. J. (2002). The stage question in identity style <mental health & cognitive-developmental theory. The Behavioral and Brain Sciences, 2, 173-213. (And all the responses to Adams, j (2002). A longitudinal study of change and sameness in personality development: Adolescence to later adulthood. International Journal of Aging and Human Development, 5, 11-39)

Dollinger, s.m. & dollinger, r (2002) Developmental view toward identity formation. journal of personality 143, 421, 4

Gerald, t, h & Munro, y, l (2001). The stage question in identity style and cognitive-developmental theory. The Behavioral and Brain Sciences, 2, 173-213. (And all the responses to School Psychology, Quarterly, 6, 83-102

Heather,(2003)Children's conceptions of trust in the context of social expectations. *Merrill-Palmer Quarterly*, 34, 403-419.

-Durt,t & Ruyter a,(1973).The benefits of taking responsibility and acting asa responsible man.*journal of social psychology* 29,475-97

Gelaver. Hypothetical versus real-life moral reasoning among psychopathic and delinquent youth. *Development Psychopathology*, 1, 91-103.&

- GadenRevisiting the concept of socialization: Caregiving and teaching in the 90s: A personal perspective. *American Psychologist*, 50, 276-286

-Blunkett

28.coulb,d.e(2000)cultural identity and political responsibility. *journal of personality*221,87.4

²⁹- Grossnickle & Stephens (1976) current psycotrapies relating to responsibility(peacockpublisher .inc) *journal of social psychology* 32,6

^{Haste}The adolescent antecedents of an ego model of coping and defense and comparisons with Q-sorted ideal personalities. *GenetiPsychology Monographs*, 89, 273-306.c

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی